

با چند منطقه اسرار آمیز کشورمان آشنا شوید

عجایب مرموز ایران

مهین ساعدی- همیشه که قرار نیست از نقاط زیبا و خوش آب وهوای کشورمان بنویسیم و دیدن کنیم؛ گاهی شناخت و بازدید از مناطق و مکان‌های مرموز و عجیب ایران هم می‌تواند جالب و هیجان‌انگیز باشد. نقاطی که به خاطر سرگذشت و حال و هوای متفاوت شان، معروف شده‌اند و آدم‌های زیادی را از گوشه‌گوشه دنیا به سمت خود می‌کشانند. با پرونده «زندگی‌سلام» امروز همراه باشید تا با برخی از شگفت‌انگیزترین مناطق ایران آشنا شوید؛ از باغی مرموز با میوه‌های سنگی تا جنگلی تاریک با صدا‌های مخوف و عجیب و گورستانی برای از ما بهتران!

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه روزنامه خراسان

سه شنبه ۹ آبان ۱۳۹۶

۱۱ صفر ۱۴۳۹ • ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷

۸۹۵



عکس: مرنقی صالحی

حکایت یک باغ عجیب

که درختانش میوه سنگی می دهند



باغ سنگی سیرجان که تنه درختانش خشکیده و به جای میوه از شاخه درختانش سنگ‌های کوچک و بزرگ آویزان است، حکایت غریبی است از مردی که در مقابل سختی‌های روزگار، یکی از زیباترین موزه های هنر انتزاعی را در میانه بیابان برپا کرد. در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی سیرجان، در جاده سیرجان- بافت، دهستانی است به نام «بلورد» و روستایی «میان دو آب» نام. باغی شش گوشه با صدها درخت بارور، درختانی که نه نیاز به آب دارند و نه آفتاب و ایستادگی شان را مدیون پیر مردی کر و لال هستند که تک تک آن‌ها را در سکوت و بهت روستاییان و گردشگران کاشت. داستان این باغ از آن جا آغاز شد که «درویش خان اسفندیاری» که از زمین داران سیرجان بود، در سال ۱۳۴۰ پس از اجرای طرح اصلاحات ارضی، میزان قابل توجهی از زمین‌های خود را از دست داد و در نهایت به دلیل آبیاری نشدن زمین های بارورش که سال ها برای آبادی آن ها تلاش کرده بود، درختان آن جلوی چشمانش خشک شد. درویش خان که این ظلم را بار سنگینی بر دوش خودو خانواده اش می دید، پریشان شد و در صحرای مجاور یکی از باغ هایش، چادر زد و در گذر سال ها، این باغ را ساخت. در سال ۱۳۵۵ «پرویز کیمیای» بعد از بازدید از این باغ شگفت انگیز، تصمیم گرفت فیلمی از زندگی درویش خان بسازد. در این فیلم نشان داده شده که پس از خشک شدن باغ های درویش خان، وی نیمه شب در چادری در حال استراحت بوده است که خواب باغی را می بیند از سنگ. پس از آن که از خواب بیدار می شود به جست وجوی سنگ ها می رود و در بستر رودخانه و کوه نزدیک به باغش، سنگ های سوراخ شده ای را می یابد و آن ها را با وجود چندین کیلومتر راه، به محل احداث باغ می آورد و از تنه درختان آویزان می کند. اما خانواده درویش خان چیز دیگری می گویند. آن ها معتقدند به دلیل این که خان گنگ بوده نمی توانسته اعتراض خود را به از دست دادن زمین هایش بیان کند، این باغ را برای نشان دادن اعتراض به ظلمی که بر وی رفته بنا کرده است. درویش خان که زندگی خود را از دست رفته می بیند، ابتدا تنه درختان باغ خشک شده اش را از خاک بیرون می آورد و بعد به محل احداث باغ منتقل و در نهایت به گفته روستاییان، گودالی به عمق یک متر حفر و تنه درخت را در آن استوار می کند.



غار عمودی و سردی که

قاتل غارنوردان است



در ۱۲ کیلومتری شمال شرق کرمانشاه، کوه «پرو» با ارتفاع ۳۳۵۷ متر از سطح دریا، به عنوان یکی از بلندترین قله های استان در کنار روستای چالابه به چشم می خورد و زیبایی هایش به قدری است که چشم را خیره می کند. شاید تصور وجود یکی از اسرارآمیزترین مکان های ایران در این طبیعت زیبا کمی سخت باشد اما در ارتفاع ۳۰۵۰ متری این کوه، عمیق ترین و صعب العبورترین غار ایران قرار دارد که سازمان حفاظت محیط زیست ایران در سال ۱۳۸۸ به عنوان دومین اثر طبیعی ملی کرمانشاه، به ثبت رسانده است. «پرو» غاری است به طول ۱۴۵۴ متر و عمق ۷۵۲ متر. ۲۶ حلقه چاه در این غار وجود دارد که عمیق ترین آن ها، چاه شماره ۱۶ با عمق ۴۲ متر است. این غار منحصر به فرد از حدود ۴۰ سال پیش (۱۹۷۱ میلادی)، به عنوان بزرگ ترین غار عمودی دنیا شناخته شده است و به همین دلیل، لقب اورست غارهای جهان را به آن نسبت داده اند. برودت دمای هوا در پرو به دلیل آن که آب جاری داخل آن، حاصل ذوب شدن یخچال های زیرزمینی است، همیشه بین یک تا سه درجه سانتی گراد است و همین مسئله، پیمایش غار را سخت می کند. جدا از این، گذرگاه های تنگ و خرچنگ روها، ریزشی بودن برخی بخش های غار و چاه های عمیق، پرو را در دنیا به غاری صعب العبور و ترسناک تبدیل کرده است. تاکنون چندین غارنورد ایرانی، جان خود را در این غار از دست داده اند که اجساد برخی از آن ها هیچ وقت به بیرون از غار منتقل نشد.



اسرار اجساد دفن شده

در دیوار بم

هر سال، گردشگران زیادی از نقاط مختلف دنیا به تماشای بقایای ارگ بم می روند، اما این بازدید فقط به دلیل ابهت و شکوه ارگ بم که قدیمی ترین سازه خشتی دنیاست، نیست. چندی پیش، خبر کشف جسد چندین کودک در دیوارهای بلند ارگ بم، «کشف مومیایی کودکان در لابه لای حصارهای ارگ بم» در باره این ماجرا صحبت کردند و خبرهایی از سکوت مستولان تا تکذیب خبر کشف اجساد نوزادان، منتشر شد و راز دفن این اجساد در دیواره این ارگ، همچنان مبهم است. کارشناسان میراث فرهنگی کشورمان معتقدند این تدفین ها بعد از محاصره ارگ بم توسط آقا محمدخان قاجار صورت گرفته است و در آن محاصره، به دلیل فحطی و شیوع بیماری ها، کودکان زیادی جان خود را از دست می دادند و مردم شهر، جسد کودکان خود را لابه لای خشت های ارگ بم دفن می کردند.

جنگلی با صدای جیغ از

لابه لای درختان



در جنوب شهر مشهد، روستا و جنگل «سر برج» قرار دارد که یکی از ترسناک ترین مکان های ایران است. جنگلی پیچ در پیچ و تو در تو که زمان زیادی است هنگام شب، وقتی هوا رو به تاریکی می رود، صدا‌های عجیب و وحشت آوری از میان درختانش به گوش می رسد که تا قبل از این، سابقه نداشته است. مردم محلی و خبرنگاران چند خبرگزاری معتبر بازدیدکنندگان آن منطقه می گویند به محض تاریک شدن هوا، صدایی شبیه جیغ از میان درختان این جنگل به گوش می رسد که گاهی بسیار شدید و ترسناک است. این منطقه در جاده ای که از جنوب مشهد به کوه های بینالود و به طور مشخص روستای دیدنی مغان و غار آن منتهی می شود، واقع شده است و به کوه های خلج شهرت دارد. برخی ساکنان منطقه، این صدا‌های وحشت آور را به دلیل وجود ملخ هایی می دانند که به این منطقه هجوم آورده اند و شب ها به درختان پناه می برند. برخی دیگر هم عواملی ناشناخته از جمله آب هوها و وزش باد و زوزه جانوران را دلیل به وجود آمدن این اصوات می دانند. این منطقه در ده ای واقع شده است که رودخانه ای از آن می گذرد. این رودخانه هر سال در یک فصل خشک می شد، ولی از سال ۱۳۹۰، یعنی درست از سالی که این صداها از درون جنگل به گوش می رسد، خشک نشده است و همچنان آب در آن جریان دارد و همین امر باعث جلب توجه مردم و به تبع، احتمال دادن آن ها به وجود یک نیروی مرموز و ترس شان از این پدیده شگفت انگیز شده است.



گورستان سنگی

اجنه

قبرستانی خاموش و مرموز در جنوب شرقی ترین نقطه ایران، استان سیستان و بلوچستان، شهر چابهار، روستای تیس. روستایی باستانی با قدمت حداقل ۲۳۰۰ ساله که در آن اعتقادات و باورهای مردم بلوچ یا سکوت ژرفناک طبیعت و آثار باستانی اسرارآمیز بر جای مانده، پیوند خورده است و گورستان جن که بلوچ ها به آن «جن سبط» می گویند، یکی از این رازهاست. نام این روستا در کتاب های مربوط به فتوحات اسکندر مقدونی به «تیز» مشهور بوده و به مرور زمان به «تیس» تبدیل شده و این روزها با «گورستان جن»، معروف شده است. گورستانی با سنگ قبرهای عظیم الجثه، مکانی جالب برای ماجراجویانی که به دنیای ماوراءالطبیعه علاقه دارند. از آن جا که «گورستان جن» سنگ قبرهای بزرگ و عجیبی دارد، بعضی محلی ها را به این باور رسانده است که این گورها محل دفن آدمیزاد نیست و توسط آدمیزاد هم حفر نشده است. در گورستان جن، قبرها کنار هم و درون صخره حفر شده اند که این شیوه حفاری، پرشش های زیادی را بوجود آورده است. در این گورستان جز سکوت و خاموشی چیزی نمی شنویم. بسیاری از بومی ها معتقدند با تاریک شدن هوا، اجنه به قبرستان می آیند و بر سر مردگان خود مویه می کنند و هر کس شبانه گذرش به این گورستان بیفتد، آن ها نفرین اش می کنند و بعد از چند روز با غذایی سخت می میرد! هر چند برخی هم معتقدند شاید به دلیل حفظ مردگان و در گذشتگان از گزند جانوران و خوردگان زیرزمینی، بازماندگان مرده، رنج کندن سنگ را بر خود هموار می کردند و گورها را این چنین می ساختند؛ شاید هم دفن در سنگ، برای احترام به مردگان بوده است.

کویر ریگ جن،

مثلت برمودای ایران؟



«ریگ جن»، یکی از اسرار آمیزترین و ترسناک ترین مناطق ایران است. این منطقه کویری که پر از تپه های ماسه ای رنگی است، در جنوب شهر سمنان قرار دارد. نقطه ای واقع در کویر مرکزی ایران که به دلیل وسعت زیاد و البته نبود چشمه یا چاه آب، در زمان های قدیم، هیچ کاروانی از آن جا عبور نمی کرد. «ریگ جن» با وسعتی حدود ۳۸۰۰ کیلومتر مربع، در حاشیه شمالی اش به کوه گوگردی و در حاشیه شرقی اش به جاده دامغان می رسد. محلی ها، چوپان ها و ساربان ها معتقدند اگر کسی پایش به «ریگ جن» برسد، ناپدید و توسط ارواح و موجودات ماورایی به قلب «ریگ جن» فرستاده می شود! یکی از کاوشگرانی که به تازگی برای بررسی این ادعاها به ریگ جن سفر کرده است می گوید، حتی شترهای اهالی کویر هم وقتی به این منطقه می رسند، می ایستند و حرکت نمی کنند. «آلفونز گابریل» اتریشی، قصد داشت این منطقه را کشف کند، اما نتوانست. به ناچار به سمت یزد برگشت. در نهایت، «علی پارسا»، کویرشناس ایرانی الاصل مقیم آمریکا، همراه با گروهش توانست از طول این کویر عبور کند. این منطقه، پوشش گیاهی و جانوری نادر تاکنون گزارشی در باره حیواناتی که احتمال دارد در آن زندگی کنند، ارائه نشده است. شن زارهای گسترده این منطقه و باتلاق های آن، هر انسانی را به وحشت می اندازد. اگر کسی بدون تجهیزات لازم به این منطقه سفر کند، گرفتار گل و لجن های بیابان می شود و به همه کسانی می پیوندد که در این بیابان ناپدید شده اند!

توقف زمان درعجیب ترین

روستای ایران



تصور کنید برای گذراندن یک تعطیلات مفرح، در حال گشت و گذار هستید و ناگهان وارد روستایی می شوید که به محطی که تا به حال در آن زندگی کرده اید، زمین تا آسمان تفاوت دارد. انگار با یک ماشین زمان، به گذشته های بسیار دور سفر کرده باشید. نه خبری از تلفن و اینترنت است و نه نشانه ای از تیر چراغ برق و حتی لوله کشی گاز! انه خبری از خانه های سیمانی و تیرآهن است و نه حتی دوچرخه و موتور و خودرو. لباس و پوشش روستاییان همچون گذشته های دور است و برای کشاورزی و دامداری، خبری از تراکتور و ابزار امروزی نیست. روستای «ایستا» واقع در شهرستان طالقان، شاید مرموزترین روستای ایران باشد. روستایی در خاک البرز که مردمانش در گذشته متوقف شده اند. مردم این روستا نه تنها شب ها پای تلویزیون نمی نشینند که حتی به شب نشینی، دور هم بودن و گل گفتن و گل شنیدن هم اعتقادی ندارند. اگر به این روستا سفر کنید، مهمان نواز هستند تا وقتی که زنان قصد ورود به این روستا را نداشته باشند، همان طور که تاکنون کسی از دنیای بیرون، زنان آنان را ندیده است. متمول هستند و از طریق فروش زمین های پدری شان در تبریز، روزگار می گذرانند. شناسنامه ندارند و جزو آمار جمعیت ایران به حساب نمی آیند. مردمی که با دیدگاه های تجددستیز، به سبکی عجیب از زندگی روی آورده اند. کودکان این روستا به سبک سنتی و مکتب خانهای، با فراگیری دروسی مثل واجبات و محرمات فقهی، خوشنویسی و اصول عقاید، سواددار می شوند. ساعت مچی و دیواری در محل زندگی «اهل توقف» وجود ندارد و سیمان و آهن در معماری خانه های شان به کار نرفته است.